وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره ۲۱ | یکشنبه ۷ جدی ۱۳۸۲ | ۵ ذوالقعده ۱٤۲٤ - | 28 December 2003

سرمقاله

از ۶ جدی تا ۶ جدی

ص۲

چرا اهل تشیع هلمند به لویه جرگه راه نیافت؟

ص۴

در چهاردهمین روز لویه جرگۀ قانون اساسی









- **مسألۀ خط دیورند توسط نمایندگان مطرح شد**
- **وزرای داخله، فواید عامه، تجارت، صحت عامه و معاون وزیر دفاع گزارش کار خود را ارایه کردند**
- **کمیتۀ تفاهم به بحث روی نظریات کمیته ها ادامه داد**

در چهاردهمین روز کار لویه جرگۀ تصویب قانون اساسی، نمایندگان مردم به طرح مشکلات محلی ومنطقه یی پرداختند وبرخی از اعضای کابینه گزارش کار حکومت را ارایه کردند. وزرای داخله، فواید عامه، تجارت، صحت عامه ومعاون اول وزیر دفاع به سخنرانی پرداختند. سیما سمر رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر در صحبت خود مسائل حقوق زن وحقوق طفل را برجسته ساخت وتوجه نمایندگان را به آن جلب نموده کمیتۀ تفاهم به بحث روی نظریات کمیته های ده گانه ادامه داد وبه گفتۀ ص۴

لویه جرگه
موجودی ستونزی او دولتی لاس وهنی

د روان کال دقوس په 23 نېټه دافغانستان د اساسي قانون دتصويب لوئي جرکي خپل کار پيل کړ ددغي لوئي جرکي مقدمات د بن په پريکړه کي اټکل شوي و.

که وغواړوچي داساسي قانون دتصويب دلوئي جرکي مثبت ټکي وشميرو لړ تر لږه بايد دغه دوه لاندي موارد وشيړو:

۱- د اساسي قانون د تصويب د لوئي جرکي په جوړيدو سره د بن د پريکړي يوه ماده تطبيق ته وړاندي شوه

۲-داساسي قانون د تصويب په لويه جرکه کي د لومړي خل له پاره نړيوالو څيړونکو ته وخت ورکړ شو چي په دغه راز برخليك جوړونکي جرکه کي کډون وکړي. خو بايد ووايو چي په دغه تاريخي جرکه کي زياتي نيمګړتياوي موجودي وي چي په لاندي ډول ئي يادونه کوو:

۱- د افغانستان انتقالي دولت چي بايد دلوئي جرکي لوژستيکي امکانات ئي برابر کړي وي د خپلو نظرياتو او غوښتنو په تحميلولو ئي لاس پوري کړ چي ددولت ۴مخ

پول افغانی:

با ثبات در برابر اسعار، بی ثبات در برابر نان!

ص۳

چهل سال عقبگرد درعدم حضور پارلمان

ع.ح

این روزها بحث داشتن ونداشتن پارلمان درهمه جا گرم است. مطبوعات، فضای لویه جرگه، دفاتر رسمی، کوچه وبازار وخلاصه هرجایی دیگر در گروهمین بحث قرار گرفته است.

تاهنوز دو دسته یا دوگروه پارلمان طلب وریاستی خواه(انحصار طلب) مشخص گردیده است وموضع گیری های مقامات دولتی به خصوص حامد کرزی رئیس دولت، نشان می دهد که دولتمردان قدرتمند طرفدار وحامی یک نظام ریاستی مطلقۀ بدون پارلمان بوده وبه انحصار وتمرکز قدرت شدیداً علاقه مند ص۲



سیه کاران سیه روزی آفریدند

ابوبکر سبزوار

در ۶ جدی ۱۳۵۸ ارتش سرخ شوروی با حمله از زمین و هوا، افغانستان را تحت اشغال خود در آورد. در این حمله حفیظ الله امین، مزدوری که از مقابله در برابر ملت عاجز مانده بود، به قتل رسید و به جای آن ببرک کارمل مزدور خیانت پیشه یی دیگر که برای همین روز در خارج نگهداشته شده بود سوار بر تانک های ارتش سرخ به افغانستان آورده شد.

هرچند مصیبت عظیم ملت ما از کودتای هفت ثور آغاز شد اما با فرارسیدن ۶ جدی این فاجعه ابعاد وسیع تری یافت. سیاست زمین سوخته که در مورد روستا های کشور ما روی دست گرفته شد، ص۳



مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل– چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

از ۶جدی تا ۶جدی

در ششم جدی۱۳۵۸ ارتش سرخ بدون در نظرداشت هیچ گونه معیاری به افغانستان هجوم آورد ونظام دست نشاندهٔ خود را به حاکمیت رساند.

از تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان تا۲٦ دلو ۱۳٦۷ که آخرین سرباز ارتش سرخ، کشور ما را ترک گفت، مردم ما باانواع مظالم روبه رو شدند وحتی بعد از خروج قوای سرخ نیز نظام مطلق العنان وابسته به اتحاد شوروی حاکمیت خود را حفظ نمود وبه رأی جمعی مردم وقعی نگذاشت. یکی از دلایلی که می تواند به حیث زمینه ساز به میان آمدن نظام های خودکامه وکودتایی وتجاوز اتحاد شوروی به حساب آید، عدم موجودیت یک نهاد مشروع نمایندگی از مردم می باشد.

نظام های کودتایی ودست نشاندهٔ بعد از۷ ثور۱۳۵۷ تا ۱۳٦۸ چند مرتبه تلاش نمودند تاچنان نهادی را به گونه دست نشانده وگوش به فرمان، ایجاد کنند.

نخستین بار به گونهٔ ظاهری تلاش صورت گرفت تا شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک دست نشانده تحت رهبری ببرک کارمل گسترش داده شود. بعدها به تشکیل جبههٔ ملی پدر وطن اقدام صورت گرفت و در سال های اخیر، رژیم دست نشانده حتی به تدویر لویه جرگه وتصویب قانون اساسی وایجاد شورای ملی ومجلس سنا نیز پرداخت؛ اما از آن جایی که همهٔ این پرداخت ها در نتیجهٔ تصامیم یک جانبهٔ حکومت دست نشانده صورت می گرفت، نتوانست فاصلهٔ ایجاد شده میان مردم ونظام حاکم را کم بسازد.

پرسش اساسی این است که اگر میکانیزمی درست وپذیرفته شده برای انتخاب آزادانهٔ نماینده های مردم وجود می داشت، آیا نظام های دست نشانده می توانستند چنان حرکت هایی نمایشی را انجام بدهند؟

اگر نهادی مقتدر وباصلاحیت به نمایندگی از مردم وجود می داشت، آیا ممکن بود که کودتاچیان ۷ثور ۱۳۵۷به برانداختن نظام از راه قوت نظامی باهمان سادگی وآسانی اقدام کنند؟

وحالا که ما در٦جدی ۱۳۸۲ در چهاردهمین روز لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی قرار داریم، چه باید بکنیم تاجلو تکرار فاجعه ها سد گردد؟

تجربه نشان داده است که ریشهٔ همه بحران ها در کشورهای بحران زده از عدم تمثیل خواست مردم در نظام سیاسی شان آبیاری می شود. باتوجه به آنچه گفته آمد، اکنون دولتمردان ونمایندگان مردم در لویه جرگهٔ قانون اساسی در آزمون مهمی قرار دارند که چه نوع نظامی را برمی گزینند؟

نظامی که تمثیل از ارادهٔ مردم کند یا از ارادهٔ یک فرد؟

اگر فرد حاکم شود در وطن
همه برده باشند بی شک وظن
اگر رهبر ما بود یک نظام
همه رهبرانیم در یک کلام

چهل سال عقبگرد در عدم حضور...

می باشند؛ درحالی که عده یی از نمایندگان مردم در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی، خواستار یک پارلمان مقتدر ونیرومند بوده واستدلال می کنند که پارلمان مقتدر وانتخابی به عنوان مرجع نمایندگی از مردم می تواند در گسترش حاکمیت دولتی ورسیدن به صلح وثبات و وحدت ملی بسیار مؤثر باشد وخطر ظهور استبداد وخودکامگی را نفی کند.

• آیا افغانستان تاهنوز نظام مطلقهٔ ریاستی را تجربه کرده است؟

• نتایج این تجربه چگونه است؟

• در یک نظام ریاستی مطلقه تاچه حد خطر استبداد وخودکامگی وجود دارد؟

• آیا نظام ریاستی مطلقه می تواند به تحکیم پایه های دولت ومشارکت ملی بینجامد؟

• چرا دولتمردان قدرتمند خواهان نظام ریاستی مطلقه اند؟

پاسخ دادن به این سوال ها می تواند تاحدی دلایل دوگونه موضع گیری(پارلمان طلب وریاستی خواه) را روشن بسازد.

پیش از همه باید گفت که دولت انتقالی اسلامی افغانستان وبه خصوص شخص رئیس دولت در پافشاری خود روی یک نظام ریاستی مطلقه کاملاً حق به جانب است؛ زیرا هرکسی می خواهد که قدرتمند، واجب الاحترام وبی مسؤولیت باشد اما این که ایجاد چنین دستگاهی سرنوشت ملت ومملکت را به کجا خواهد کشانید، پرسشی است که نمایندگان ملت باید مسؤولانه به آن بیندیشند.

یک مصراع شعر اردو می گوید که«یا تو سب کچھ هی مجهی چاهیی یا کچھ بهی نهی» یعنی یا همه چیز باید از من شود ویا هیچ چیز هم نشود.

موضع گیری های اخیر رئیس دولت در رابطه به پارلمان در حد همین مصراع خلاصه می گردد که به هیچ صورت نمی تواند به یک حکومت با پایه های وسیع ومشارکت ملی، منجر گردد.

حال ارزیابی کنیم که به پرسش های مطرح شدهٔ قبلی چه پاسخ هایی می توانند وجود داشته باشد:

• تجربهٔ نظام مطلقهٔ سیاسی در افغانستان از سال های پیش وجود دارد. ممکن است از نگاه شکلی، تغییری در ساختار نظام ها سراغ شده بتواند؛ اما از نظر اجرایی وحدود صلاحیت، چندین نظام ریاستی مطلقه در افغانستان تجربه شده است. حد اقل مرحلهٔ آغاز این تجربه به۱۳۵۲ برمی گردد زمانی که سردار محمد داوود در۲۶ سرطان همان سال بااقدام به یک کودتا، به پادشاهی ۴۰سالهٔ محمدظاهر شاه نقطهٔ پایان گذاشت.

نظام جمهوریی را که سردار محمد داوود به وجود آورد، در واقع یک نظام کاملاً مطلقه بود. کرسی های ریاست جمهوری، صدارت عظمی، وزارت دفاع و وزارت خارجه به خودش تعلق گرفت وهیچ مرجع ونهادی به نمایندگی از مردم وجود نداشت تا براعمال حکومت ناظر باشد.

> **هرکسی می خواهد که قدرتمند، واجب الاحترام وبی مسؤولیت باشد اما این که ایجاد چنین دستگاهی سرنوشت ملت ومملکت را به کجا خواهد کشانید، پرسشی است که نمایندگان ملت باید مسؤولانه به آن بیندیشند**

قدرت دولتی در دست یک فرد متمرکز گردید و با آن که در مراحل آغازین از شورای رهبری به نام کمیتهٔ مرکزی جمهوریت نام برده می شد، اما بعدها ثابت گردید که چنان ساختاری فقط در لفظ موجود بود وهیچ گونه مؤثریتی در دستگاه دولت نداشت.

سردار محمد داوود بنابر خصلت نظامی که به وجود آورده بود، ناگزیر شد به گروه ها وافراد مختلف، امتیازاتی را قایل شود وروی همین علت هم بود که کابینهٔ نامتجانس وساختار دولتی نامتجانس به وجود آمد.

نظام جمهوری سردار محمد داوود سرانجام در اثر یک کودتا در۷ ثور ۱۳۵۷ برانداخته شد وکودتاچیان در حالی که رهبران شان در زندان به سر می برند، باتصرف واشغال قصر ریاست جمهوری ورادیو کابل موفق شدند که نظام را سرنگون بسازند.

چرا مقاومتی بسیار جدی وقابل ملاحظه در ولایات صورت نگرفت وچرا نظام نتوانست در برابر تعداد اندک کودتاچیان، ایستادگی کند؟ باید به خاطر داشت که درجمع افسران کودتاچی، چند دگروال معدود حضور داشتند واز هیچ جنرال وافسر عالیرتبه درمیان کودتاچیان نام برده نشده است واین خودتشان می دهد که تمرکز قدرت تاچه حد خطرناک بوده می تواند.

نظامی که در نتیجهٔ کودتای ۷ ثور به میان آمد، بازهم می تواند نمونه یی از یک نظام ریاستی ومتمرکز را ارایه بدهد.

در نتیجهٔ کودتای ۷ ثور۱۳۵۷، شورای انقلابی به وجود آمد که ظاهراً حکومت را رهبری می کرد. رئیس شورای انقلابی همزمان کرسی صدارت را نیز دراختیار خود قرار داده بود ودر شورای انقلابی هم فقط اعضای ح.د.خ عضویت داشتند که منشی عمومی حزب، بازهم همان رئیس شورای انقلابی بود. یعنی تمرکز قدرت در همه اشکال آن.

پیامد این گونه تمرکز قدرت در عدم حضور پارلمان بازهم همان چیزی است که انتظار می رفت؛ هنگامی که رئیس شورای انقلابی به وسیلهٔ شاگرد وفادارش به دام انداخته می شود وبه قتل می رسد، کمترین مقاومت وضدیتی در مقابل آن حرکت رخ نمی دهد وتمرکز وانحصار قدرت به همان شکل پیشین در وجود فردی دیگر(حفیظ الله امین) خلاصه می گردد.

نتیجهٔ تمرکز قدرت در این مرتبه نیز چندان متفاوت نبود وطوری که همه می دانند زمینهٔ تجاوز قوای اتحاد شوروی سابق به افغانستان را فراهم آورد.

مراحل بعدی تمرکز قدرت در دوران زمامداری ببرک کارمل ودکتر نجیب بازهم نتایج متفاوتی را به دست نمی دهد؛ اما آنچه که در همه مراحل یکسان بوده است، همانا دورماندن دستگاه حکومت از مردم وفاصله گرفتن مردم از حکومت هاست.

اینک دور دیگری از تبلیغات برای موجه جلوه دادن تمرکز قدرت وایده آل بودن نظام ریاستی مطلقه، آغاز یافته است.

آنانی که برای تأسیس چنین نظامی، تبلیغ می کنند ومردم را از یک آیندهٔ روشن وکشور باثبات وعده می دهند به گذشته کمتر اشاره می کنند. مثال این عده آقای عبدالحمید مبارز است که می گوید نظام ریاستی، امریکا را به یک ابر قدرت تبدیل کرد. او به گونهٔ غیر مستقیم از ابر قدرت شدن افغانستان وعده می دهد؛ اما نمی گوید که اگر چنان منفعتی در نظام ریاستی مضمر باشد، چرا همه کشورها به آن رجوع نمی کنند؟

باتوجه به گذشته، واضح می شود که تجربهٔ نظام ریاستی در افغانستان وجود داشته و درهمین دوسال پسین نیز، کشور به وسیلهٔ یک نظام ریاستی مطلقه اداره شده است.

در بررسی نتایج تجربهٔ نظام های ریاستی، بدون شک که به هیچ نقطهٔ مثبت برنمی خوریم. همهٔ نظام هایی که به تمرکز قدرت علاقه مند بوده اند، تاحدی که در توان داشته اند، نقش مردم ومشارکت ملی را تضعیف نموده وبه جای وحدت ملی به طرف نفاق ملی گام گذاشته اند.

ادامه دارد

جناب اشرف غنی احمد زی وزیر مالیهء دولت انتقالی اسلامی افغانستان طی بیانیه یی مفصل در مجلس لویه جرگه، از موفقیت های اقتصادی دولت در طول دوسال گذشته سخن گفت که بخش هایی متعدد از آن ادعا ها سوال برانگیز بود. این که چرا به نمایندگان ملت در رابطه به اظهارات ایشان اجازهء سوال داده نشد، خود سوال دیگری است ولی در اینجا فقط به یک بخش که بیش از کار های دیگر از طرف ایشان بر موفقیت آن تأکید گردید می پردازیم.

پول افغانی:
با ثبات در برابر اسعار، بی ثبات در برابر نان!

وحید مژده

محترم اشرف غنی، عدم وجود پول واحد و دارای ارزش مساوی را در گذشته از موانعی در راه کمک جامعهء جهانی به افغانستان خواند. شکی نیست که پول واحد و با ثبات یکی از ضرورت های هر اقتصاد سالم است اما در مورد افغانستان این سوال را باید مطرح کرد که آیا واقعا با تعویض پول کهنه به جدید، این پول ثبات طبیعی خود را دارد ویا این که عوامل دیگری در کار است؟

مهمترین عامل ثبات طبیعی ارزش پول در اقتصاد، مربوط به قدرت تولید است. بر بنیاد نظریهء تعادل ارزش، در هر اقتصاد تعادلی میان میزان پول در گردش و مقدار جنسی که در اقتصاد برای فروش عرضه شده است وجود دارد. به عبارهٔ دیگر تمام مقدار پولی که در یک اقتصاد در جریان است، تمام مقدار جنسی را که در همان اقتصاد عرضه شده است، می خرد. به این اساس اگر مقدار عرضهء جنس بیشتر شود، چون مقدار پول ثابت است، قیمت ها سیری نزولی می یابد و برعکس در صورت کاهش تولید اجناس در اقتصاد، چون تعادل پول و جنس به نفع پول کم می شود، انفلاسیون خود را با افزایش قیمت ها نشان می دهد.

آنچه که گفته آمدیم، حالت طبیعی کاهش و یا افزایش ارزش پول را در اقتصاد نشان می دهد. آقای اشرف غنی جواب به این سوال را که ثبات ادعایی ایشان تا چه حد طبیعی است، در پردهء موفقیت تعویض پول پیچیدند و فرصت سوال را از نمایندگان کنجکاو دریغ داشتند.

xxx

اگر نظری به سیاست های پولی دولت های گذشته در کشور بعد از جنگ جهانی دوم بیندازیم، می بینیم که روی دست گرفتن پروژه های زیربنایی که از پروژهء وادی هیرمند آغاز گردید، ساختمان میدان هوایی قندهار، تمدید جاده های مواصلاتی و بند های برق هرکدام تأثیرات مثبت و منفی خویش را براقتصاد برجا نهاد. یکی از تأثیرات این پروژه های زیربنایی خصلت تورمی آن بود که حکومت های وقت در حد امکان سعی کردند از راههای مختلف آن را مهار نمایند. مهمترین اقدام در این زمینه تشویق سرمایه گذاری خصوصی در سکتور های تولیدی بود. اما ورود امتعهء خارجی به خصوص از کشور های همسایه، صنعت نوپای کشور را تحت فشار قرار داد و مشکلات بزرگ را بار آورد که یکی از تأثیرات آن تورم شدید بود.

دولت باگرفتن قرضهء سفید از بانک مرکزی به حجم تورم در کشور افزود و این روند ادامه یافت. اما در عین حال تلاش نمود تا با اقداماتی جلو زیان به جامعه، به خصوص گروههایی را که عاید ثابت داشتند، بگیرد که از جملهء آن وسائل یکی هم (انحصارات) بود.

به وجود آمدن انحصارات از ابتکارات عبدالمجید زابلی وزیر اقتصاد آن زمان بود که مواد اولیه و مورد نیاز مردم با قیمت ثابت و معین در سراسر کشور عرضه می شد و دولت در این رابطه سبسایدی را قبول کرده بود.

بعد از کودتای کمونیست ها از یک طرف تقویهء سکتور دولتی راه را تا حد زیادی بر تشبثات خصوصی بست، و از طرف دیگر دولت با نشر پول در یک اقتصاد جنگی، زمینهء بیشتر تورم را فراهم آورد. اما با عرضهء مواد اولیه به مردم به قیمت نازل، تا حد زیادی از زیان های ناشی از تورم بر اقشاری که دارای عاید ثابت بودند جلوگیری کرد.

حکومت مجاهدان وارث یک اقتصاد در هم شکسته بود و انتظار این که جامعهٔ جهانی به این دولت کمک های هنگفتی خواهد نمود با آغاز جنگ داخلی به شکست انجامید و دولت هم راه چاره را در نشر بانکنوت یافت. حکمتیار در چهارآسیاب و بعدها دوستم در مزارشریف به نشر پول پرداختند. میزان تورم به حدی گسترش یافت که امکان حمل ونقل پول فزیکی برای تأمین نیاز های عادی و روزمرهٔ نیز مشکل شد و دولت ناچار به چاپ بانکنوت های ۵ و ۱۰ هزار افغانیگی گردید.

دولت مجاهدین بعد از مستقر شدن در شمال، برای تأمین نیاز های خود به نشر پول ادامه داد و طالبان در مضیقهء بیشتر قرار گرفتند. طالبان در ابتدا این مسأله را به بررسی گرفتند که اگر (شنه پیسی) (پول سبز) را که منظور بانکنوت های ۵ و ۱۰ هزار افغانیگی بود، بی اعتبار اعلام کنند، چه نفع یا ضرری متوجه شان خواهد شد. از آنجا که این کار خود آنان را که مقادیر هنگفتی از این پول ها را در اختیار داشتند متضرر می ساخت و در عین حال شرایط اقتصادی به آنان مجال نشر پول جدید را نمی داد، آنها پول هایی را که در بانک مرکزی ثبت نشده بود، فاقد اعتبار اعلام نمودند در حالی که درشمال کشور همین پول ها با ارزش نصف ارزش پول مورد قبول طالبان در دوران بود.

کار دیگری که طالبان در رابطه با ثابت نگهداشتن ارزش پول انجام دادند تقریبا همان کاری بود که امروز دست اندرکاران سیاست پولی کشور انجام می دهند. طالبان بیشتر عواید گمرکی و عواید مواد مخدر را با اسعار خارجی می گرفتند و بعد آن را برای مصارف خود به پول افغانی تبادله می کردند. این کار مدت یکسال ادامه یافت و در طول این یک سال ارزش پول افغانی در برابر اسعار خارجی ثابت نگهداشته شد. در طول این مدت یک کلدار پاکستانی بین ۵۱۰ الی ۵۳۰ افغانی در نوسان بود و در حالی که قیمت ها از طرف شهرداری کنترول نیز نمی شد اما ثبات خود را حفظ کرد. البته این ثبات نیز غیر طبیعی و ناشی از عرضهء اسعار به بازار بود.

xxx

امروز هم ثبات پول افغانی خود را مدیون عوامل غیر طبیعی است که یکی از آنها خرید آن در برابر اسعار به خصوص دلار است. عواید مالی دولت از داخل فوق العاده محدود است و به همین دلیل هرزمانی که به پول افغانی نیاز احساس می شود، دلار به بازار عرضه نموده و افغانی می خرد و مصارف خود را تأمین می نماید. اگر این خرید اسعار برای مدتی متوقف گردد، افغانی ارزش خود را از دست خواهد داد و این خود نشان از غیرطبیعی بودن ارزش پول ما دارد.

به عنوان مثال: در افغانستان و به خصوص در کابل همانگونه که آقای کرزی گفتند هزاران کارگر خارجی وجود دارند که عاید خود را اگر به افغانی هم دریافت نمایند، بخش اعظم آن را به اسعار خارجی تبدیل می کنند.

تبدیل پول افغانی توسط آنان به اسعار، تأثیر معکوس به بار می آورد. یعنی باعث کاهش ارزش پول افغانی می شود. در حقیقت بانک مرکزی با خرید اسعار از بازار آزاد، ارزش افغانی را در برابر اسعار ثابت نگه می دارد که بیشتر به نفع همین گروه است. حالا ببینیم کسانی که تصمیم خرید جنس را با واحد پول افغانی می گیرند، با چه مشکلاتی روبه رو اند.

اگر ما رشد قیم را از زمان برچیده شدن پول های قدیم تا به امروز مورد دقت قرار دهیم، مواد اولیهء مورد ضرورت مردم حدود ۵۰ در صد گرانتر شده است یعنی ما یک رشد انفلاسیونی ۵۰ درصد داریم که دولت نمی خواهد به آن اعتراف کند و از قیمت برابری واحد پول افغانی در برابر اسعار خارجی به عنوان شاخص ثبات ارزش پول سخن می گوید که وزیر مالیه همین استدلال را داشت. ارزش پول را باید با اجناس مصرفی در طول این دوره مقایسه کنیم. این نوع ثبات ارزش پول که دولت مدعی آن ست، چه تأثیر مثبت بر وضع اقتصادی اکثریت مردم دارد؟ آیا خوراک مردم اسعار خارجی است و یا نان؟ وقتی ثبات ارزش پول نتواند قیمت اجناس را در بازار ثابت نگهدارد، آیا می توان گفت پول ما از ارزش واقعی خود در بازار برخوردار است؟

مسألهٔ بسیار مهم در شرایط فعلی که باید اقتصاد دانان محترم به آن توجه کنند، تأثیرات انفلاسیونی سکتور های زیربنایی است که به تأثیرات آن در گذشته اشاره شد. پروژه های دیرثمر که در قدم اول تولیدی نیستند عاید خلق می کنند اما چون جنس تولید نمی کنند، تعادل را به نفع پول برهم می زنند و میزان تورم را افزایش می بخشند. دولت با سرمایه گذاری در پروژه های زود ثمر به خصوص در سکتور زراعت می تواند از این خطر بزرگ جلوگیری نماید.

در سکتور زراعت، کشت کوکنار می تواند پول خلق کند اما عایدی که از این طریق به دست می آید، در اقتصاد ما از جملهء عوامل تورم آفرین و سخت زیان آور است. زیرا سهم تولید مواد مصرفی حاصل از سکتور زراعت را کاهش می دهد.

در سکتور زراعت، کشت کوکنار می تواند پول خلق کند اما عایدی که از این طریق بدست می آید، در اقتصاد ما از جملهء عوامل تورم آفرین و سخت زیان آور است. زیرا سهم تولید مواد مصرفی حاصل از سکتور زراعت را کاهش می دهد.

طوری که دیده می شود مسائل اقتصادی بسیار مهم و در عین حال توأم با پیچیدگی های خاص خود کاری است بسیار دقیق که باید به آن با دقت فراوان برخورد کرد. شما به ملت پولی داده اید که در برابر مواد اولیه و مورد نیاز مردم روز به روز ارزش خود را از دست می دهد و شما مسرور از آن هستید که در برابر اسعار نرخ آن ثابت است.

سیاست پولی با سایر بخش های اقتصاد رابطهء مستقیم دارد و لازم است تا شورایی از کارشناسان این فن را برای مشوره در مورد هر تصمیمی فرا بخوانیم.

سیه کاران سیه روزی ...

به کشتار های بی رحمانه و دسته جمعی، ویرانی های وسیع و مهاجرت های گستردهء مردم به کشور های دیگر به خصوص کشور های همسایه انجامید.

جهان با ناباوری شاهد زیر پاشدن آزادی یک کشور بیطرف و صلح دوست دراین منطقه از جهان بود و هیچکس جرأت نداشت تا در برابر این تجاوز، روسها را تجاوز گر و ناقض حقوق بشر و موازین بین المللی بخواند. زیرا اعمال ابرقدرت ها همیشه با ادعا های آنان در مورد حق دفاع مشروع شان توجیه می شود و در آن زمان نیز اتحاد شوروی با ادعای مقابله با تهدیداتی که مرز های جنوبی اش به آن مواجه بود، به افغانستان لشکر کشید.

زمامداران شوروی در آن زمان مشتی جاسوس در افغانستان داشتند که در باندی بنام حزب دموکراتیک خلق متشکل ساخته شده بودند. بی اعتنایی دنیای غرب به وضع افغانستان و بی ارادگی زمامداران وقت در این کشور دست به دست هم دادند و این مصیبت عظیم را بر ملت تحمیل کردند.

دنیای غرب پس از ۶جدی ۱۳۵۸ کار افغانستان را تمام شده فکر کردند و تلاش ها این بود که پاکستان را در برابر تجاوز احتمالی بعدی شوروی تقویت نمایند. اما در افغانستان، تجاوز روسها و وحشیگری های مزدوران پرچمی و خلقی اش، به جای این که موجب ضعف ارادهء ملت در مقاومت گردد، قیام ها را مقاوم تر و شدید تر ساخت. با وجود این که روسها هر روز در افغانستان تلفات می دادند، برای جهان بسیار دشوار بود تا باور کند که روزی ملت پابرهنه یی بر ابرقدرتی که از شرق اروپا تا خاور دور حکم می راند، و جهان غرب از هیبتش لرزه براندام بود، غالب آید.

وصیت پتر کبیر، کابوس جهان غرب بود که روسها باید به آب های گرم اقیانوس هند می رسیدند. جنگ دفاع از اقیانوس هند در افغانستان به راه افتاد. در این میدان هرکس بدنبال منافع خود بود. ملت افغانستان که به خاطر بقای خود و آزادی کشور خود باید می رزمید، برایش مهم نبود که این جنگ به چه قیمتی تمام خواهد شد و دیگران در این جنگ چه منافعی را دنبال می کنند. امریکا به فکر انتقام جنگ ویتنام بود، اروپا رویای آزادی شرق خود از چنگال کمونیسم را می دید، زمامداران عرب از زوال قدرت خود در هراس بودند و بالآخره پاکستان، که باید با استفاده از این فرصت، خود را در برابر هند مجهز به سلاح اتمی می ساخت.

خون افغانها، نفت عربها، سلاح غربی ها و چینی ها در این پیکار به هم آمیخت و سرانجام معجزهء قرن تحقق یافت. ابر قدرتی فروپاشید و نابود شد!

انتقام شکست ویتنام گرفته شد، زمامداران عرب از نگرانی نجات یافتند، اروپای شرقی آزاد شد، کشور های آسیای میانه به آزادی دست یافتند، و پاکستان هم به تکنالوژی اتومی دسترسی یافت اما افغانها که در این میدان دومیلیون انسان را قربانی دادند و کشور شان لگد کوب طوفان خانمان سوز این جنگ شد، بازندگان اصلی جنگ بودند.

حملهء ۶ جدی به افغانستان که به منظور اشغال آغاز شد، نشان داد که هیچ ابرقدرتی در جهان شکست ناپذیر نیست و هیچ قدرتی را در برابر ارادهء ملت ها برای آزاد زیستن توان مقاومت نخواهد بود. به امید این که جهان ما با استفاده از تجارب تلخ جنگ های گذشته، قبل از تصمیم به هر جنگی، صدبار در مورد عواقب تلخ آن بیندیشند و در مشکلاتی که راه حل صلح آمیز دارند، راه جنگ تنها انتخاب نباشد.

تاریخ و ملت افغانستان سیاهکارانی را که فاجعهء ۶ جدی را به وجود آوردند هرگز نخواهد بخشید. آنها مسببان همه سیاه روزی های این ملت اند.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره ۲۱ یکشنبه ۷ جدی ۱۳۸۲ ۵ ذوالقعده ۱٤۲٤ - 28 December 2003

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

چرا اهل تشیع هلمند به لویه جرگه راه نیافت؟

محترم رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان حامدکرزی
نمایندهٔ محترم سازمان ملل اخضر ابراهیمی
السلام علیکم ...

خواهشمندم به چند نابرابری مبرم توجه فرمایید.

ولایت هلمند یکی از بزرگ ترین ولایات کشور می باشد که در آن اقوام پشتون، هزاره، تاجک، ازبک و سایر اقوام زندگی می کنند که فقط در شهر لشکرگاه ۴۰ در صد مردم از قوم هزاره است و ولسوالی های باغران، هزاره جفت، نادعلی، سید آباد شهرگرشک که۵۰ در صد آن را شیعیان تشکیل می دهند اما حتی از این ولایت یک وکیل هم از مردم هزاره نمی باشد در حالی که از کوچیان ولایت واز بی جاشدگان ۲۰۰ خانواده یک وکیل آمده است.

عالی مقامان شعار برابری، برادری، آزادی ودموکراسی فقط در کاغذ است وبس چرا توجه نمی شود همین مشکلات که جمع می شوند وآرام آرام به یک مشکل بزرگ تبدیل می شود امروز دل هزاران مرد وزن هزاره در هلمند شکسته است که۱۰۰هزار جمعیت شیعه وهزاره یک وکیل هم ندارد نه فقط وکیل ندارد دردهای فراوان دیگری نیز در این ولایت موجود است ولی ناشنیده مانده است.

بااحترام
محمد ایوب جعفری
بنیاد فرهنگی باران

نمایندگان مردم سخن می گویند

حاجی عبدالغنی وکیل منتخب ولسوالی کشنده و آقکپرک ولایت بلخ در پاسخ به این سوال که خواست عمدهٔ شما درلویه جرگهٔ قانون اساسی چیست؟ گفت: ماخواستار یک قانون ملی می باشیم؛ قانونی که همه حقوق شهروندان اعم از مردان، زنان، کودکان، مجاهدان ومقاومت گران وتمام اتباع کشور را رعایت کرده باشد.



او در مورد نوع نظام آیندهٔ کشور گفت: ماطرفدار نظام پارلمانی مقتدر می باشیم چرا که افغانستان از دیکتاتوری خسته شده است وهرنوع نظام به جز نظام پارلمانی به دیکتاتوری می انجامد،

نظام پارلمانی یگانه نظامی است که تمام مردم افغانستان در آینهٔ آن خود را دیده می توانند. وکیل موصوف از کار کمیتهٔ خویش ابراز خوشبینی نموده وروحیهٔ آن کمیته را عالی توصیف کرد.

او در مورد سرود ملی گفت:

گرچه سرود ملی باید در برگیرندهٔ تمام لسان های رایج در کشور باشد ولی از آنجایی که لسان پشتو و دری لسان های رسمی افغانستان اند پس سرودملی نیز باید به دولسان پشتو و دری ساخته شود.

گزارشگر نظام الدین ملکیار

درچهاردهمین روز ...

حضرت صبغت الله مجددی رئیس لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی، قرار است نتیجهٔ کار کمیتهٔ تفاهم فردا اعلام گردد.

مسألهٔ خط دیورند به عنوان یک مشکل مرزی برای نخستین بار مطرح ساخته شد ونمایندگان مردم پیشنهاد نمودند که باید در این مورد تصمیم اتخاذ شود.

برمبنای گزارش های واصله از محل کار لویه جرگه، نوعیت نظام آینده تاهنوز هم موضوع بحث برانگیز جلسهٔ کمیتهٔ تفاهم می باشد؛ اما یک منبع دیگر گفت که بیشتر از ۸۰ در صد نماینده ها خواستار پارلمان مقتدر شده اند.

از نامه های آمده

دموکراسی را دموکراسی شعاران از عقب گردن زدند

بسمه تعالی

به ادارهٔ محترم جریدهٔ مجاهد

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

خواستم درنامهٔ ارسالی خود به یک نکتهٔ مهم و قابل توجه که در جریان برگزاری لویه جرگه بر ملا شد اشاره کنم وآن این که دموکراسی رادموکراسی شعاران از عقب گردن زدند با توجه به گذشتهٔ دردناک سه دههٔ اخیر که دو تجاوز بزرگ و بی رحمانه ازشمال وجنوب کشور مارادرمیان گرفت و دسیسه های داخلی معامله گران بر غم و اندوه ملت ما افزون شد . خداوند بر دلهای نیرومند و سرشار از عشق و ایمان مجاهدین ومقاومت گران ما قوت بخشید تاوطن وملت بزرگ افغانستان رانجات بخشیدند. در این جا روی سخن به جانب آن عده هموطنان ماست که دست و دامن بر زده و از معرکه های خونین دفاع و مقاومت بیرون جستند و هرچه بادابادگفته تا دورترین نقطهٔ دنیا گریختند حالا که در اثر فداکاری فرزندان راستین ملت، فضای صلح و امنیت در وطن مساعد گردیده و زمینهٔ خدمت گذاری و ادای دین در چوکات وزارت و ریاست های مستقل و پر در آمد میسر شده است چه وقت این داعیان خدمت به مردم رفع تابعیت بیگانه می کنند و شعار دلفریب نه بلکه عوام فریب دموکراسی را که با خود آوردند در معرض نمایش عملی قرار می دهند در لویه جرگهٔ قانون اساسی بر خلاف انتظار مردم وجهانیان و معیار های قبول شدهٔ دموکراتیک که آنهم از میان فریاد ها وشعار های دروغین اینها به گوش می رسید یک باره لحن دموکراسی خواهان عوض شد وهمه یک صدا خواهان نظام استبدادی ریاستی شدند، اما برعکس مجاهدین و رهبران خردمند شان خواهان حاکمیت مردم شدند که در پارلمان قوی و نیرو مند تمثیل می گردد و این امر موجب تعجب جهانیان نیز گردید ، چه حلقات وگروهایی خاص بودند که بر ضد مجاهدان شایعه می پراگندند ولی این موقف سالم و اندیشمندانهٔ آنان بر همه دسایس و توطئه ها خط بطلان کشید وملت، راستکاران را از فریب کاران تشخیص کرد .

والسلام

محمد غوث از خوشحال خان مینه

لویه جرگه
موجودی ستونزی او دولتی ...

دغه راز د موکراتیك ضد دریځ په ډاګه وو.

۲-د اساسي قانون دتسوید غړي شخصاً ولسمشر کرزي انتصاب کړل او خپل یو مرستیال ئي دهغو دمشر په توګه وټا که

3-دغه راز داساسي قانو دتدقیق د کمیسیون غړي هم پخپله کرزي انتصاب کړل او هغو کسانو ته ئي په دي کمیسیون کي ځاي ورکړ چي ددوي دنظر وړ وو.

۴-داسي اټکل وچي دتدقیق کمیسیون خپل کار د 1382 کال د اسد په میاشت کي پاي ته ورسوي خو داساسي قانون د مسودي تر وروستي ورځ پوري دغه متن 22 خله بدل شو او په کمیسیون کي دننه یولړ سو تفاهمات او مشاجري پیدا شوي

۵-داساسي قانون د تسوید او تدقیق کمیسیونونو دنیمه ریاستي نظام دیوي طرحي اټکل کړي و، خو دکرزي د مداخلي او فشار له امله دمطلق ریاستي نظام طرحه وړاندي شوه چي د کمیسیون غړي تري انکار نشي کولاي

۶-د کمیسیونونو په کار کي ددولت مداخله او دقدرت اعمال دومره ځرګند دي چي د (کینیا ، فرانسي او امریکا) دري وارو هیوادو سلاکارانو داعتراض په ډول له همکاري نه ډډه وکړو. چي دغه واقعیت دبارنت روبین له وروستیو ځرګندونو څخه په ډاګه معلومیږي چي هغه دیو پارلماني نظام نظر درلود.

۷-لازمه وه چي دبیلا بیلو سیاسي نظامونو نسخي ترتیب شوي وي او دخلکو استازیو ته وخت ورکړ شوي وي چي دټولو دمنلو وړ یو نظام د افغانستان دراتلونکي له پاره وټاکي نه دا چي په استازیو باندي ریاستي نظام ومنل شي.

۸-دخلکو استازیو اعتراض درلوده چي د نفوسو دتناسب مراعات نه دي شوي دساري په توګه دکوچي قومونو چي (۲۵۰۰۰۰) وګړي لري (9) تنه استازي ټاکل شوي و، حال دا چي ترکمن ملیت یواځي (۸) تنه استازي درلودل.

۹-د1343 کال په اساسي قانون کي دموجود تعریف له مخي چي داعتبار وړ دي لویه جرګه دخلکو د ارادي ډیر ستر مظهر بلل شوي او لازم وچي طرز العمل پخپله دلوئي جرګي دغړیو له خوا ترتیب شوي وي، په دغه کار باندي د استازیو له ټینګار سره سره، دولت او ښاغلي کرزي دخپل نظر وړ طرزالعمل په خلکو باندي وتپه.

۱۰-یو شمیر استازیو غوښتل چي دنظام بڼه باید داساسي قانون په مسوده باندي له بحث مخکي معلومه شي. ځکه یواځي په دي صورت کي داساسي قانون دمسودي پر مادو باندي اغیزمن کار پیل کیدي شو. خو ددولت دلاس وهني له امله دغه وړاندیزو نه منل شو او په نتیجه کي کار دي ځاي ته ورسید چي په لسګونو کمیټو کي یو ډول بي نظمي موجوده وه.

۱۱-لوئي جرګي ته ددولت درئیس له خوا دپنځوس تنو انتصاب یوه بله بي عدالتي وه چي درایو تناسب ګډوډوي. دیوښتني ځاي دادي چي د کابل ښار دڅه دپاسه دري ملیونو نفوسو په درلودلو سره 33 استازي درلودل خو ښاغلي کرزي بیا پنځوس تنه لوئي جرګي ته واستول.

۱۲-زیاتو استازیو وړاندیز درلوده چي له هر ولایت څخه یو یا دوه تنه دتفاهم په کمیټه کي غړیتوب ولري خو دغه راز وړاندیز ته مثبت ځواب ورنه کړي شو.

۱۳-هري کمیټي ته یو انتخابي او یو انتصابي منشي په نظر کي نیول شوي و چي دکمیټو دکار په بهیر کي ددوي تر منځ یولړ مشاجري پیدا شوي او نتیجه دا شوه چي له کمیټو څخه ضد او نقیض راپورونه تر لاسه شول

۱۴-له ډیري مودي را په دي خوا دولتي مقاماتو د ډله ییزو اطلاعاتي وسایلو څخه یوازخیزه ګټه اخیستنه پیل کړي او په خپله ګټه تبلیغات کوي. په داسي حال کي لازمه وه چي دمردم سالاري له مخي ټولو اړخونو ته وخت ورکړ شوي وي چي دهر ډول نظام په باب ئي ځرګندوني کړي وي

۱۵-ددولت رئیس په خپلو وروستیو مرکو او ویناو کي ثابته کړه چي دخلکو ارادي ته درناوي نه لري. هغه په لومړي ورځ په لویه جرګه کي په ریاستي نظام ټینګارو کړ او له هغې نه مخکي ئي هم ویلي و، چي که راتلونکي نظم ریاستي نه وي هغه به ځان کاندید نه کړي.

دا معلومه نه ده چي که ښاغلي کرزي ځان کاندید کړي نه وي نو څه ستونزه به پیدا شوي وي؟ آیا کرزي هغه یواځني شخصیت دي چي د جمهوري ریاست د نیولو لیاقت لري؟

ځرګنده ده څوک چي سر له اوسه ځان دومره ستر بولي که په یو مطلقه ریاستي نظام کي په چوکۍ کښیني نو بیا به په کوم دریځ کي وي؟

موږ د لوئي جرګي د بریالیتوب په هیله یوو او باور لرو چي له اوسني وخت څخه د امنیت، سولي اوثبات د تامین له پاره کار واخیستل شي خو ددي ویره هم شته که دولت د لوئي جرګي په کار کي له لاس وهني څخه ډډه ونه کړي نو د جرګي نتیجي به په زړه پوري نه وي او مسوولیت به ئي د هغو کسانو په غاړه وي چي لاس وهنه کوي.

د پورتنیو موادو په پام کي نیولو سره باید د ملت استازیو ته اجازه ورکړي شي په آزادانه توګه تصمیم ونیسي هغه ستونزي حل کړي چي له پخوانیو استبدادي حکومتونو نه ورته په میراث پاتي دي او اوس ورسره لاس او ګریوان دي

پامیر